

هشدار پلیس: لاستیک فرسوده عامل تصادفات هولناک

رئیس اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ هشدار داد که استفاده از لاستیک غیر استاندارد و فرسوده، یکی از عوامل اصلی تصادفات شدید و جبران‌ناپذیر است و توصیه‌های جدی برای سفر در روزهای پایانی تابستان ارائه کرد. به گزارش «جوان»، سرهنگ علی‌اصغر شریفی با اشاره به اهمیت لاستیک در ایمنی خودرو گفت: «این بخش تنها قسمت خودرو است که مستقیماً با سطح جاده در تماس است و سلامت آن در ترمزگیری، فرمان‌پذیری و کنترل خودرو نقش حیاتی دارد.» او افزود که رانندگان باید هر دو هفته وضعیت لاستیک‌ها را از نظر عمق آج، ترک‌خوردگی و فشار باد بررسی و از لاستیک‌های متناسب با خودرو استفاده کنند. رئیس اطلاع‌رسانی پلیس راهور تهران بزرگ همچنین توصیه کرد که قبل از سفر، وضعیت فنی خودرو شامل موتور، روغن، آب رادیاتور، باتری، چراغ‌ها و برف‌پاک‌کن‌ها بررسی شود تا خطرات مسیر کاهش یابد.

قاتل فراری به کشور بازگردانده شد

رئیس پلیس بین‌الملل فراچازا استرداد قاتل فراری به کشور خبر داد. متهم که پس از ارتکاب قتل به صورت غیرمجاز از کشور خارج شده‌بود که با همکاری پلیس‌های بین‌الملل و دیپلماسی انتظامی در یکی از کشورهای همسایه شناسایی و تحویل مرج قضایی شد.

به گزارش «جوان»، سردار مجید کریمی، رئیس پلیس بین‌الملل فراچا اعلام کرد: «فردی به اتهام قتل تحت پیگرد قانونی قرار داشت. متهم به دلیل اختلافات خانوادگی و انگیزه‌های مادی، به خودروی یکی از آشنایان خود تیراندازی کرد و مقتول در اثر اصابت گلوله جان خود را از دست داد.»

وی افزود: «پس از ارتکاب جرم، ضارب با خودروی خود متواری و به صورت غیرمجاز از کشور خارج شد. پلیس بین‌الملل فراچا با استفاده از ظرفیت‌های سازمان اینترپل و هماهنگی با مراجع داخلی و خارجی، علیه متهم اعلان قزم صادر کرد و ردپایی او در کشورهای منطقه در دستور کار قرار گرفت.»

سردار کریمی تصریح کرد: «با اقدامات بین‌المللی و دیپلماسی انتظامی، مشخص شد متهم کشور محل اختفای اولیه را ترک کرده و در نهایت در یک کشور همسایه شناسایی و دستگیر شد. پس از هماهنگی‌های لازم، متهم از طریق مرز زمینی مسترد و در معیت عوامل انتظامی به مرج قضایی مربوطه تحویل داده شد.»



«چشم عقابی»؛ سارق باتری چراغ‌های راهنمایی

یکی از سارقان دستگیر شده مرد جوانی است که هیچ سابقه‌ای ندارد. او با سرقت باتری چراغ‌های راهنمایی و رانندگی پای به‌دنبای خلافکاران گذاشته‌است و گفت‌وگو با این متهم که می‌گوید چشمانی به تیزبینی عقاب دارم، خواندنی است.

پرویز؛ سابقه داری؟

نه.

قبل از شروع سرقت شغل تان چه بود؟

کابینت‌سازی. در آمد من نبود. حتی زندگی‌ام می‌چرخید. برای همین هنوز هم نمی‌فهمم چرا به این کار کشیده شدم. شاید یک جور هیجان بود. شاید هم وسوسه پول بیشتر.

چه شد به سراغ چراغ‌های راهنمایی رفتید؟

شاید باورش برای شما سخت باشد، اما همه چیز از یک نگاه ساده شروع شد. یک روز از کنار چراغ راهنمایی رد می‌شدم. در محفظه‌اش نیمه‌باز بود. کنج‌کاو شدم و چشمم به باتری خورد. همان لحظه فکر عجیبی به ذهنم رسید با خودم گفتم «این باتری را می‌شود برداشت.» شاید هر رهگذری رد می‌شد، ی تفاوت می‌گذشت، اما من نه، چشم‌هایم تیزبین است، مثل عقاب. چیزی را می‌بینم که دیگران نمی‌بینند. به هر حال وسوسه شدم و تصمیم گرفتم باتری را سرقت کنم، چون فکر کردم از این راه راحت‌تر به پول می‌رسم.

یعنی از همان روز تصمیم گرفت‌ی دزدی کنی؟

بله. همان یک‌بار، راه را به من نشان داد. بعد فهمیدم بیشتر چراغ‌ها باتری دارند و دسترسی به آنها هم سخت نیست. یک چهارپایه کوچک خریدم و گذاشتم داخل ماشینم. به خیابان‌های غربی شهر می‌رفتم و پرسه می‌زدم و هر وقت شرایط مناسب بود، چهارپایه را می‌گذاشتم زیر تیر چراغ و بالای می‌رفتم. به همین سادگی سرقت می‌کردم.

اما بالا رفتن از تیر کار راحتی نیست؟

(می‌خندد) من علاوه بر اینکه چشمانم مثل عقاب تیز است، ورزشکارم هم هستم و بدن ورزشی‌دارم. بالا رفتن برابرم مثل آب خوردن بود. طرف چند ثانیه خودم را به محفظه می‌رساندم و باتری را در می‌آورد.

همدست هم داری؟

نه، همه کارها را هم تنها انجام می‌دادم. هیچ شریکی نداشتم و دوست ندارم شریکی داشته‌باشم، چون می‌خواستم همه پول آن به جیب خودم برود.

در این مدت چند عدد باتری سرقت کردی؟

راستش حساب از دستم در رفته بود، اما فکر کنم حدود ۳۰ فقره سرقت داشتم.

با باتری‌های سرقتی چه کار می‌کردی؟

در فضای مجازی آگهی می‌دادم و می‌فروختم. مخصوصاً در سایت «دیوار». از هر کدام بین یک تا دو میلیون تومان گیر می‌آمد.

این باتری‌ها مشتری هم دارد؟

مشتری هم همیشه بود؛ بعضی‌ها برای کارهای فنی و دستگاه‌ها دنبال باتری بودند؛ مثل ماشین‌های شارژی کودکان.

چطوری شناسایی و دستگیر شدی؟

من هر روز برای سرقت از خانه بیرون می‌آمدم. آن روز کنار چراغی که قصد داشتم باتری‌اش را باز کنم ایستاده و چهارپایه را هم گذاشته بودم که ناگهان پلیس رسید. واقعیتش فلانگیر شدم. دیگر راهی برای فرار نبود. همان جا دستگیرم کردند.

حسین قصیبی

در عملیاتی ویژه و هماهنگ میان فراچا و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، هشت تروریست که مسئولیت مستقیم تیراندازی به واحدهای گشت پاسگاه دامن ایرانشهر و شهادت پنج نفر از مدافعان امنیت را بر عهده داشتند، شناسایی و به هلاکت رسیدند. مقادیر قابل توجهی سلاح و مهمات ربوده‌شده نیز بازپس گرفته و پیام روشنی به گروه‌های تروریستی فرستاده شد؛ هیچ‌کس جرئت تعرض به مردم و پلیس را نخواهد داشت.

سیستان و بلوچستان با وسعت جغرافیایی وسیع و موقعیت خاص خود، همواره یکی از کانون‌های اصلی فعالیت گروه‌های تروریستی علیه نیروهای انتظامی و مدافعان امنیت کشور بوده‌است. در سال‌های اخیر، این استان شاهد عملیات‌های متعدد تروریستی و شهادت جمعی از پرسنل شجاع پلیس بوده‌است. یکی از آخرین نمونه‌های این تهدیدها، تیراندازی

حوادث

سرویس حوادث ۶۰۱ ۸۵۲۳۰



۸ تروریست عامل شهادت پلیس ایرانشهر به هلاکت رسیدند

در حفظ امنیت و ثبات در مناطق حساس و آسیب‌پذیر کشور است.

شهادت یک مدافع وطن

در ادامه مقابله با گروه‌های تروریستی در سیستان و بلوچستان، یکی از حافظان امنیت به شهادت رسید و یک نفر دیگر مجروح شد. سردار مرتضوی، فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه، اعلام کرد رزمندگان قرارگاه با همکاری یگان‌های فراچا و سربازان گمنام امام زمان(عج) و همراهی قرارگاه‌های عملیاتی شهید سلیمانی و شهید معمار، هشت نفر از اعضای گروهک تروریستی در شهرستان ایرانشهر را به هلاکت رساندند و تعدادی نیز زنده دستگیر شدند. وی افزود: محل اختفای تروریست‌ها در سراوان، ایرانشهر و خاش شناسایی شد و در جریان عملیات، مقادیر قابل توجهی سلاح و مهمات به غنیمت رزمندگان درآمد. همچنین، پنج تروریست در سراوان نیز به هلاکت رسیدند و یکی از گروگان‌ها آزاد شد.

و به هلاکت رسیدند.

تجهیزات نوین

برخورداری نیروهای انتظامی از خودروهای زرهی متناسب با جغرافیای منطقه و حمایت پهبادی از زمین و آسمان، نقش بازدارنده قوی در برابر گروه‌های تروریستی دارد و هیچ فرد یا گروهی جرئت تعرض به مردم و نیروهای پلیس را نخواهد داشت. اقدام‌های بازدارنده از جمله همکاری شهروندان با نیروهای انتظامی و ارائه اطلاعات، نقش مهمی در تقویت امنیت جامعه دارد و می‌تواند از وقوع حوادث مشابه جلوگیری کند. عملیات اخیر ایرانشهر، نمونه‌ای از توان عملیاتی بالا، برنامه‌ریزی دقیق و همکاری گسترده میان نیروهای انتظامی و اطلاعاتی است و می‌تواند الگویی برای مقابله با تهدیدات مشابه در سایر نقاط کشور باشد.

تجربه نشان داده‌است که ترکیب اقتدار نظامی، تجهیزات پیشرفته و مشارکت مردمی، کلید موفقیت مستمر فراچا برای حفظ امنیت کشور، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اقدامات خشن‌آمیز صورت گرفته است.» سردار منتظرالمهدی با اشاره به پیام روشن این عملیات گفت: «این موفقیت نشان‌دهنده توان بالای نیروهای انتظامی و هماهنگی مؤثر میان نهادهای امنیتی در مبارزه با گروه‌های تروریستی در نقاط مختلف کشور است و پیام روشنی برای کسانی دارد که درصدد ایجاد ناامنی هستند.»

عمل به عهد

پس از تیراندازی عوامل تروریستی به واحدهای گشت پاسگاه دامن ایرانشهر و شهادت پنج نفر از مدافعان امنیت، فرمانده انتظامی کشور با هشدار به محلات امنیت به مردم اطمینان داد پلیس مهاجمان را هر جا که باشند به سزای اعمال‌شان خواهد رساند. این وعده روز بعد روز گذشته در جریان عملیات پیچیده پلیسی و اطلاعاتی محقق شد و عاملان تروریستی شناسایی

غلامرضا مسکنی

در تازه‌ترین طرح پلیس آگاهی تهران، ۱۶۰ سارق و مالخر به دام افتادند؛ از سارقی که به باتری چراغ‌های راهنمایی را مثل شکار عقاب می‌ربود تا زنی که در امامزاده صالح طلاها را دختر بچه‌ها را با فندک جدمی‌کرد. پشت پرده این پرونده‌ها نشان می‌دهد که نه تنها قبح سرقت در میان برخی از مجرمان ریخته، بلکه بعضی‌ها به جرم‌شان افتخار هم می‌کنند. صبح دیروز محوطه پلیس آگاهی تهران صحنه حضور دهها سارق،

دستگیری ۱۶۰ سارق و مالخر در تهران

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران، در حاشیه این طرح به خبرنگاران گفت: «در این عملیات ۱۴۵ سارق حرفه‌ای و ۱۵ مالخر شناسایی و دستگیر شدند. در بازرسی از مخفیگاه متهمان، ۴۰۵ دستگاه گوشی تلفن همراه مسروقه، شش قبضه سلاح جنگی و ۴۰۵ فقره قابل توجهی ارز و طلا کشف و ضبط شده‌است.» به گفته وی، اموال، اموال کشف‌شده پس از هماهنگی‌های قضایی، امروز به مال‌باختگان تحویل داده می‌شود. سردار گودرزی همچنین تأکید کرد



«نیسان آبی»؛ باندی که فقط یک رنگ می‌دزدید

یکی از باندهایی که در تازه‌ترین طرح مبارزه با سارقان به دام کار آگاهان پلیس آگاهی گرفتار شدند، باند سارقان نیسان آبی هستند. سرکرده این باند به نام شهاب فردی تحصیلکرده است که پس از بیکارشدن وارد جرگه خلافکاران می‌شود.

شهاب! در پرونده نوشته‌شده تحصیلکرده‌ای؟

بله. مهندس کامپیوتر هستم. گرایش نرم‌افزار خوانده‌ام و پس از پاسان تحصیلاتم در یک شرکت مشغول به کار شدم، اما پدشناسی آوردم شرکت ورشکست شد و من هم بیکار شدم.

یعنی به خاطر بیکاری وارد خلاف شدی؟
بله، وقتی بیکار شدم، مدتی دنبال کار بودم، اما کار درست و حسابی که حقوق خوبی داشته‌باشد، پیدا نکردم تا اینکه با فردی آشنا شدم که در کار سرقت بود و فهمیدم از این راه پول خوبی می‌شود؛ به جیب‌زد، واقعیتش نه. خودروهای سرقتی را برای قاچاق سوخت استفاده می‌کردند.

چقدر گیرتان آمد؟

دقیق نمی‌دانم. بسنگی داشت و معمولاً هم دلا می‌گرفتیم و بعد بین اعضای باند تقسیم می‌کردیم.

که بسیاری از سارقان بازداشت‌شده به صورت باندی فعالیت می‌کردند و با هماهنگی دادستان مقرر شده‌است این متهمان تا پایان محکومیت خود در زندان بمانند تا دواپار امنیت جامعه را تهدید نکنند.

رئیس پلیس آگاهی تهران درباره مالخران بازداشت‌شده نیز توضیح داد: «بررسی‌ها نشان داد این افراد پس از خرید اموال مسروقه، آنها را برای فروش به خارج از کشور منتقل می‌کردند. در همین رابطه، در یکی از محموله‌ها بیش از خروج از مرز، ۱۴۵ دستگاه تلفن همراه کشف و شناسایی شد که امروز به صاحبان اصلی بازگردانده خواهد شد.»

سارق امامزاده صالح

فریباً تنها زن سارقی بود که در تازه‌ترین طرح مبارزه با سارقان و مالخران پلیس آگاهی دستگیر و به محوطه پلیس آگاهی آورده شده‌بود. این متهم طلعه‌هایش را از میان دختر بچه‌های زائران امامزاده صالح انتخاب و طلاهای آنها را سرقت می‌کرد.

فریباً سابقه داری؟

نه. من سابقه‌ای ندارم.

الان به چه جرمی دستگیر شدی؟

به جرم آدم‌ربایی و سرقت طلاهای دختر بچه بازداشت شده‌ام.

چرا سرقت می‌کردی؟

نیاز به پول داشتم، چون پسرم بیمار است و هزینه شیمی درمانی‌اش زیاد است و مجبور شدم سرقت کنم.

چرا دنبال راه دیگری نرفتی؟

مشکل مالی داشتم و فکرم به جایی نمی‌رسید تا اینکه در یک میهمانی با زنی به نام مهناز آشنا شدم. مشروبات خورده بودم و حواسم درست جمع نبود. مهناز پیشنهاد جنین‌کاری را داد و گفت خیلی پولدار می‌شویم و مشکلم حل می‌شود. قیمت طلا هم زیاد است و من هم وسوسه شدم و چند روز بعد شروع به سرقت کردم.

پس همدست داری؟

بله.

چه شد که امامزاده صالح را انتخاب کردی؟

ما می‌خواستیم طلاهای کودکان را سرقت کنیم و بهترین مکان برای سرقت امامزاده صالح بود، چون زائران را خیال راحت کودکان خود را در آنجا راه می‌کردند و مشغول زیارت بودند.

چطور بچه‌ها را قرب می‌دادی؟

داخل امامزاده صالح به سراق دختر بچه‌هایی که در حیاط مشغول بازی بودند، می‌رفتم. به بهانه یک شکلات یا خوراکی، سر صحبت را بازمی‌کردم. بعد آنها را به گوشه‌ای خلوت می‌بردم و با یک فندک، فقل گوشواره یا گردنبندشان را بازمی‌کردم و طلا را برمی‌داشتم.

چرا فندک؟

معمولاً خانیه‌ای را که به طلاها گره خورده بودند، می‌سوزاندم یا اگر طلاها سفت بودند با حرارت فندک کمی شسل می‌شدند و راحت‌تر بیرون می‌آمدند.

فکر نمی‌کردی اتفاقی برای کودکان بیفتد؟

من خودم مادر هستم و می‌دانم کار اشتباهی می‌کردم، اما واقعاً به خاطر نیاز مالی بود. از طرفی هم سعی می‌کردم کودکان آسیبی نبینند.

اگر امروز خانواده‌ها حرفت را بشنوند، چه توصیه‌ای داری؟

حتی برای یک لحظه هم بچه‌هایشان را بدون مراقبت رها نکنند. غفلت کوتاه ممکن است باعث شود کودکان طلعه آدم‌هایی، مثل من شوند.